

تنفس مصنوعی به تنگه و راه‌گشایی برای اسرائیل



کیومرتا اشتریان

پذیرش پیشنهاد های ایران از سوی آمریکا برای آنکه «مبنای مذاکرات» قرار گیرد، به خودی خود واحد هیچ امتیازی نیست اما می‌تواند دارای پیامدهای منفی و مثبت باشد.

۱- حذف اسرائیل از معادله و معاهده صلح احتمالی می‌تواند پیامد منفی مهمی باشد که ایران را با چالش‌های بفرنجی مواجه می‌کند؛ یعنی اگر اسرائیل به ایران حمله کند، تنگه هرمز، آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن از اهداف نظامی ایران خارج می‌شوند. اسرائیل را به‌مثابه یک «پادگان دائمی» تبدیل به جبهه جنگی می‌کند که ابزارهای بازدارنده نامتقارن ایران در برابر آن کم‌اثر می‌شود. راه‌حل این چالش این است که هرگونه حمایت سیاسی-اقتصادی آمریکا از اسرائیل از جمله موارد نقض آتش‌بس تلقی شود؛ بنابراین تنگه هرمز، آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن اهداف نظامی ایران تلقی خواهند شد. مذاکرات نمی‌تواند به راه‌گشایی برای حملات اسرائیل تبدیل شود.

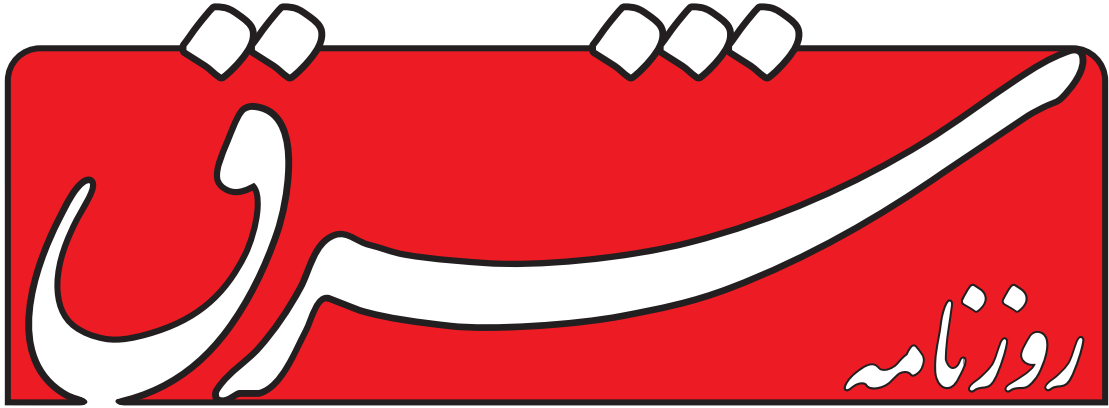
۲- مرسوم چین است که در مذاکره آمریکا بر طرح ۱۵ ماده‌ای خود و ایران بر طرح ۱۰ ماده‌ای خود اصرار ورزند، بنابراین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و ممکن است فقط بر تعویق مذاکرات تا یک یا دو هفته دیگر توافق کنند. در چنین صورتی تنگه تا دو هفته دیگر باز می‌ماند، یعنی عملاً یک ماه تنگه هرمز باز می‌شود، بنابراین آتش‌بس فرصتی برای تنفس مصنوعی به تنگه خواهد شد تا سایه جنگ را از روی نبض اقتصاد جهان بردارد و اقتصاد جهانی بتواند به تدریج ضربه ناشی از تنگه را جذب کند و شاید با پیامدهای آن سازگار شود، بنابراین مذاکره تبدیل به ابزاری برای خرید زمان برای آمریکا و تنفس مصنوعی به جهان می‌شود. اینکه آمریکا پذیرفته است که متن ۱۰ ماده‌ای ایران هم مبنای مذاکرات باشد، به این دلیل است که تحت فشار اقتصاد جهانی است.

۳- بی‌تردید آمریکا و اسرائیل پیش‌بینی طولانی‌شدن جنگ را نداشته‌اند و نظام تصمیم‌گیری آمریکایی آمادگی طولانی‌شدن جنگ را نداشته است، از این رو آتش‌بس برای تجدیدنظر در برنامه‌ریزی‌هاست. در چنین صورتی سناریوی بعدی می‌تواند این باشد که آمریکا و اسرائیل با این فرصت دو هفته‌ای برای محاصره شهرک‌های موشکی ایران و محل ذخایر غنی‌شده آمادگی پیدا کنند و عملیات پیاده‌سازی نیرو برای محاصره مناطقی از ایران از طریق لشکری انبوه در دستور کار قرار گیرد. تجربه و ذائقه آمریکا و اسرائیل نشان می‌دهد که چنین عملیاتی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. هلی‌برن، حمله به (یا محاصره) مراکز اصلی موشکی ایران از یزد و دیگر شهرها با مراکز اصلی تولید نفت یا مراکز که اورانیوم غنی‌شده در آن قرار دارد. این می‌تواند با پوشش هوایی کامل آمریکا و اسرائیل برای مدتی کارساز باشد. مشخص است که توان چنین عملیاتی در ایران محل تردید بسیار است؛ استعفا و اخراج در دهه‌های بالای ارتش آمریکا ظاهراً به دلیل مخالفت با چنین سبک‌سری‌هایی بوده است.

۴- یک سناریوی دیگر این است که در پاکستان بر چند موضوع مشخص توافق حاصل شود. این توافق دامنه‌ای از بازگشایی تنگه و اخذ عوارض برای ایران و عمان (با مشارکت آمریکا ذیل پوشش عمان) تا تضمین حمله‌نکردن به ایران و لبنان و محور مقاومت و پذیرش حداقل‌هایی از غنی‌سازی را در بر بگیرد. هرچه دامنه این توافق بیشتر باشد، احتمال دستیابی به «پایان جنگ» بیشتر می‌شود. آن‌چنان که گفته شد، هر توافق‌ای باید با مستثنی کردن اسرائیل و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن همراه باشد. با توجه به اسلحه‌های که ایران بر شقیقه اقتصاد جهانی گذاشته است، می‌تواند انتظار داشته باشد که طرف آمریکایی درباره غنی‌سازی تا حدودی کوتاه بیاید. اگر هم درباره اخذ عوارض اشتراکی به توافق برسند، می‌توان انتظار داشت که در عمل ساختار تحریم‌ها بشکند. چون کارت بازی ایران فراتر از وابستگی به واسطه‌های استراتژیک (یعنی روسیه و چین) خواهد رفت. در چنین صورتی به طریق متناقض‌نما افزایش نفوذ ایران بر تنگه هرمز اگرچه به ضرر آمریکاست اما مهم‌تر از آن بندهای واسطه‌گری روسیه و چین را در مجامع بین‌المللی از پای ایران می‌کشد. البته مدت‌ها پیش نیز گفته‌ام که همین استدلال درباره بمب اتم ایرانی نیز می‌توانست وجود داشته باشد، یعنی به لحاظ استراتژیک ماهیت چنین بمبی چشم‌انداز موازنه چین، روسیه و آمریکا را آن‌چنان که تصور می‌شود، کاملاً به ضرر آمریکا تغییر نمی‌داد؛ بلکه دو کشور نخست را نیز در درآمدت آزار می‌داد.

یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵
۲۳ شوال ۱۴۴۷
۲۱۲ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۵۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید: در سالمرگ ماریو بارگاس یوسا؛ تاریخ ناتمام • سخنگوی دولت: دست به ماشه مذاکره خواهیم کرد • مراقبت از کودکان در روزهای بعد از بحران

گزارش میدانی «شرق» از تردد دوباره شهروندان در شهر، خرید، تفریح و کافه‌گردی چند روز پس از پایان موقت جنگ

نفس‌های تازه، زخم‌های کهنه

گزارش تیریک رادر صفحه ۵ بخوانید



«شرق» راوی مذاکراتی بی‌سابقه در پاکستان؛ ورود گفت‌وگوها به فاز کمیته‌های تخصصی

ایران و آمریکا تاریخ را دوباره می‌نویسند؟

این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید

برگزیده‌ها

«شرق» از گرفتاری خانواده‌های جنگ‌زده برای دریافت خسارت مسکن ویران خود در دو جنگ گزارش می‌دهد:

زخم جنگ بر خانه‌ها

معاون وزیر ارتباطات به‌نازکی گفته اینترنت به خاطر حملات سایبری قطع شده است

اینترنت در سایه امنیت سایبری

«سقوط پاریس»: انتخاب میان همکاری با دشمن اشغالگریا مقاومت

نوعی آزادی قسطی

وقتی جنگ می‌خواهد انسانیت را حذف کند

نگاه

بازسازی سریع و بازیابی راه‌آهن در جنگ

یادداشتی از مهدی زارع

یادداشت

وقتی علم به خون نشست در رثای استاد فرزانه شهید دکتر سید کمال خرازی



رحیم عبادی

در روزگار ما، کمتر پیش می‌آید انسانی را ببایم که هم در میدان علم بدرخشد، هم در عرصه مدیریت صاحب سبک باشد و هم در اخلاق حرفه‌ای الگویی کم‌نظیر بماند و هم در سیاست‌ورزی عالی‌ترین نقش را ایفا کند و موفق باشد. شهید سید کمال خرازی یکی از معدود کسانی بود که این چهار ساحت را در وجود خود جمع کرده بود؛ حضوری که آرامش می‌آفرید و فقدانی که اکنون سنگینی آن را بر روشنی احساس می‌کنیم. او مرد سکوت‌های اندیشیده و سخنان سنجیده بود. کم‌حرفی‌اش نشانه دوری نبود؛ نشانه احترام به حرمت کلمه بود. سکوتش لایه‌هایی از تفکر را پنهان داشت و سخنان عصاره‌ای از اندیشه بود. در سیاست‌ورزی عقلانیت را همراه وقار دیپلماسی و عزت ملی و اعتبار بین‌المللی برجسته کرد، همین منش و ساحت‌ها، حضور او را در محافل ملی و بین‌المللی و مدیریتی به الگویی از وجاهت و متانت بدل کرد.

یادداشت

پیشگیری از پیامدهای اقتصادی جنگ

شده، لازم است تدابیری عاجل برای کنترل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ و کمک به آسیب‌دیدگان، اقدامات حمایتی ویژه‌ای از سوی نظام حکمرانی و نهادهای مدنی و بنگاه‌های دولتی و غیردولتی اتخاذ و به مرحله اجرا گذاشته شود. طبیعتاً دولت و حکومت به‌عنوان مسئول اصلی تأمین رفاه و امنیت مردم موظف است با سیاست‌های جبرانی و برنامه‌های حمایتی بخشی از زیان‌های وارده به مردم و بنگاه‌ها و کسب‌وکارها را پوشش دهد. اما در این یادداشت روی سخن نگارنده بیشتر متوجه مسئولیتی است که در این شرایط دشوار اقتصادی برعهده بخش خصوصی به‌عنوان نماینده‌ای از جامعه مدنی و مدیران و تصمیم‌گیران و اداره‌کنندگان بنگاه‌های تولیدی و خدماتی و اقتصادی است که در انای جنگ با بحران کاهش فعالیت و درآمد و دشواری می‌شوند که امکان ادامه فعالیت و حیات خود را در خطر می‌بینند، به‌ناچار در نخستین گام اقدام به کاهش و تعدیل نیروی انسانی می‌کنند که نتیجه آن افزایش فرایند تعداد بیکاران و ازهم‌گسستن زندگی بسیاری از خانواده‌ها خواهد شد و به مشکلات اجتماعی جدیدی دامن خواهد زد. به‌عنوان نمونه براساس گزارش مستند وزیر اقتصاد و دارایی بعد از جنگ ۱۲ روزه حدود ۶۰۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند و به لشکر بیکاران جامعه پیوستند که خود موجب نارضایتی اجتماعی در ماه‌های بعد و بی‌ثباتی کشور شد. اینک که به مدد الهی و دلاوری‌های تحسین‌برانگیز مدافعان سرافراز وطن، تجاوز وحشیانه و جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل متوقف

در میان آثار خسارت‌بار جنگ که هم در جریان و هنگامه وقوع آن نمایان می‌شود و هم پیامدهای گسترده آن بعد از جنگ آشکار می‌شود، پیدایش موج بیکاری ناشی از تعطیلی بخشی از کسب‌وکارها و به‌ویژه تعدیل نیروی انسانی واحدها و بنگاه‌های اقتصادی، تولیدی، خدماتی و... است. وقتی مراکز و تأسیسات زیربنایی مانند کارخانه‌های فولاد، پتروشیمی‌ها، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و... مورد تجاوز دشمن قرار گرفته و از مدار خارج می‌شوند، به دنبال آن هزاران واحد و بنگاه تولیدی پایین‌دستی کوچک‌تر نیز به تعطیلی یا کاهش فعالیت کشیده می‌شود و در چنین شرایطی بسیاری از واحدهای اقتصادی بخش خصوصی که از پشتوانه و ذخایر مالی مناسبی بی‌بهره‌اند، تاب‌آوری کمتری دارند و با کاهش درآمد و افزایش بی‌ثبات هزینه‌ها مواجه می‌شوند که امکان ادامه فعالیت و حیات خود را در خطر می‌بینند، به‌ناچار در نخستین گام اقدام به کاهش و تعدیل نیروی انسانی می‌کنند که نتیجه آن افزایش فرایند تعداد بیکاران و ازهم‌گسستن زندگی بسیاری از خانواده‌ها خواهد شد و به مشکلات اجتماعی جدیدی دامن خواهد زد. به‌عنوان نمونه براساس گزارش مستند وزیر اقتصاد و دارایی بعد از جنگ ۱۲ روزه حدود ۶۰۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند و به لشکر بیکاران جامعه پیوستند که خود موجب نارضایتی اجتماعی در ماه‌های بعد و بی‌ثباتی کشور شد. اینک که به مدد الهی و دلاوری‌های تحسین‌برانگیز مدافعان سرافراز وطن، تجاوز وحشیانه و جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل متوقف



جلیل ساکزآزاد

رویارویی پیروزمندان تمدن با توحش

همسایه را از دم تیر گذارند. اما امروز هیچ‌کس تردیدی ندارد که آنان به‌راستی دشمن تمدن بودند. یکی از والاترین دستاوردهای تمدن این است که انسان‌ها را از فردیت و اولویت‌دادن به خواسته‌ها و نیازهای فردی



ناصر ذاکری

به نوعی زندگی اجتماعی و مقدم‌دانستن اهداف اجتماعی بر اهداف و منافع شخصی سوق می‌دهد. از این‌رو انسان متمدن خود را ذره و قطره‌ای از دریای هم‌نوعدانش می‌بیند که نمی‌تواند نسبت به خواسته‌ها و احساسات آنان بی‌اعتنا باشد و تنها خود را ببیند و به خود بیندیشد. ملت ایران با ابتکار و خلاقیت دلیرانه خود، گذشتن از فردیت‌ها، اندیشیدن به مسئولیت اجتماعی خود فراتر از انگیزه حفظ جان و با تشکیل زنجیره‌های انسانی که ناظران جهانی را مهیوت ساخت، قدرت فرهنگی تمدن ایرانی را به رخ جهانیان کشید و با راس‌ترین فریاد این واقعیت را اعلام کرد که تمدن با بمباران از بین نمی‌رود. تمدن یعنی ریشه مستحکم یک ملت بزرگ در سرزمین صادری‌اش؛ ریشه‌ای که هیچ سیلابی نمی‌تواند آن را برکنده و نابود کند. ایستادگی سرسختانه و یک‌صدایی ملت دشمن را از بار شرایط بسیار متفاوت بود. در آن روزگار خود را با مردمی رودر رو کرده است که از مرگ باعزت هراسی ندارند و هرگز تسلیم زورگویی‌های او نخواهند شد. در سایه این ایستادگی دشمن مهاجم که نماینده توحش مدرن بود، در مقابل تمدن ایران سر فرود آورد. فارغ از اینکه نتیجه مذاکرات که آن را می‌توان به نیمه دوم یک بازی بسیار مهم تشبیه کرد، تا چه حد خواهد توانست پیروزی ملت مظلوم ما را تثبیت کند و آیا این آتش‌بس شکننده به صلحی پایدار منجر خواهد شد یا نه، تردیدی نیست که نیمه اول با برتری مسلم ایران سرافراز به پایان رسیده است؛ برتری‌ای که باید آن را «پیروزی تمدن بر توحش» نامید.

۸۰۰ سال پیش لشکریان مغول مانند سیلی ویرانگر به سمت ایران روان شدند. سمرقند، بخارا و خوارزم یکی پس از دیگری به ویرانه‌ای بدل شدند که سال‌ها بعد هنگامی که دوباره از دل خرابی‌ها سر برآوردند، ترکیب جمعیتی‌شان به‌شدت تغییر یافته بود. آن روز توحش بر تمدن پیروز شد و شهرهای بزرگ ایران که هریک کانونی برای علم و دانش بوده و در خط مقدم اندیشه بشری جای داشتند، با هجوم غارتگران مغول اشغال و تخریب شدند و به یک کلام توحش بر تمدن پیروز شد. تهدید چند روز پیش ترامپ که وعده نابودی یک تمدن را می‌داد، به‌نوعی تکرار همان رویارویی تمدن و توحش در دوران مدرن بود. در آن ایام لشکر مغول در سایه برخی ابتکارات نظامی توانسته بود به برتری‌هایی نسبت به ملت‌های همسایه دست یافته و بر منطقه بزرگی از جهان مسلط شود و تمدن‌ها را از بین ببرد. امروز هم ترامپ می‌پنداشت با تکیه به نیروی نظامی خود می‌تواند اراده‌اش را بر جهان و جهانیان حاکم کند و برای تمدن ایران خط‌نوشان می‌کشید تا بقیه هم حساب کار خود را بکنند. اما این بار شرایط بسیار متفاوت بود. در آن روزگار پریلا هجوم مغول چنان روحیه مردم منطقه را تخریب کرده بود که کسی به خود جرئت اندیشیدن به ایستادگی نداد و همه با کمترین تلاش و تقلا تسلیم سرنوشت شدند. اما این بار یک ملت متمدن مصمم به ایستادگی در مقابل هجوم بی‌امان دشمنان تمدن بود. دشمن تهدید کرد که نیروگاه‌ها و پل‌ها را تخریب می‌کند. اما این ملت متمدن به جای گریختن و دنبال‌جان‌پناه گشتن، در همان مکان‌هایی که دشمن به‌عنوان اهداف حملات مرگ‌بار خود تعیین کرده بود، زنجیره انسانی تشکیل داد. آن یکی کنار نیروگاه چادر زد و مستقر شد و آن دیگری همراه عزیزانش در حریم پل صف کشید، گویی مانند آن پیامبر مظهر عطفوت و رافت به میدان مباحله می‌شتابید. پیام این ملت مظلوم اما سرافراز روشن بود؛ ما از مرگ سرافرازانه نمی‌ترسیم، اما زندگی ذلیلانه برای‌مان بسیار رعب‌آور است. به‌راستی تمدن چیست و ملاک و معیار برتری یک تمدن کدام است؟ اگر دسترسی به جنگ‌افزارهای مدرن را ملاک تمدن بدانیم، باید گفت چنگیز خان و قوم خونخوارش در دوران خود متمدن‌ترین ملت بودند! آنها با استفاده از ابتکارات نظامی خود از جمله پرورش اسبان تیزرو، استفاده از رزم‌چامه‌های چرمی سبک در کنار برخی تدابیر هوشمندانه آرایش نظامی و نیز استفاده از حربه جنگ ترکیبی برای برهم‌زدن تعادل فکری طرف مقابل به برتری رسیدند و ملت‌های

انا لله و انا الیه راجعون

خبر شهادت جانسوز برادر ارجمند، استادی دانشمند، سیاستمدار و خدمتگزار دلسوز کشور، **جناب آقای دکتر سید کمال خرازی** و همسر فرهیخته و فرهنگی ایشان را که بدست دشمنان بشریت و سردمداران متکبر به توفیق شهادت نائل آمدند از صمیم قلب به خانواده معزز، خصوصاً برادر عزیز و بزرگوارشان حضرت آیت اله سید محسن خرازی تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم. ما امضاءکنندگان زیر تعدادی از دوستان ایشان از دوره دوم فارغ التحصیلان دبیرستان علوی هستیم که نزدیک هفتاد سال از آشنایی با ایشان می‌گذرد و ما در این زمان طولانی، همیشه از سجایای اخلاقی و ادب و رفتار و وقار آن شهید بزرگوار برخوردار بودیم و از جان و دل گواهی می‌دهیم که اللهم انا نالنا تعلم منه الاخیرا خدمات ایشان در مسئولیت‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، وزارت امور خارجه، نمایندگی ریاست جمهوری اسلامی در سازمان ملل، بنیانگذار علوم شناختی در کشور و ریاست شورای راهبردی روابط خارجی و... نشانه برجستگی و ارجمندی و شایستگی آن شهید عزیز است. خداوند بزرگ ایشان را با اجداد بزرگوارشان محشور و به بهشت جاودانش رهنمون گردد.

غلامعلی حداد عادل، محمدرضا نعمت‌زاده، محسن سعیدیان، محمدعسگری طباطبایی، عبدالکریم سرور، فرهاد فرمند، حسین لواسانی، احد عاطف و حید، ابوالحسن هاشمی، جواد شهید کلهر، ناصر شادکام، محمدرضا میرهادی احمد مدرسی زاده، تورج مسترشد